

## رابطه سبک‌های هویتی و عشق‌پذیری: نقش میانجی‌گری نظم‌جویی هیجانی

### The relationship between Identity Styles and lovability: The Mediating Role of Emotion Regulation

Sima Mousavi  
MA in Clinical Psychology  
Islamic Azad University  
Tehran South Branch

Zohreh Sayadpour, PhD  
Islamic Azad University  
Tehran South Branch

زهره صیادپور\*  
استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد  
اسلامی، واحد تهران جنوب

سایما موسوی  
کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

#### چکیده

این پژوهش با هدف تعیین نقش واسطه‌ای نظم‌جویی هیجانی در رابطه بین سبک‌های هویتی و عشق‌پذیری انجام شد. جامعه آماری، دانشجویان مجتمع ولیعصر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. ۲۰۰ دانشجو با روش نمونه‌برداری در دسترس به‌عنوان گروه نمونه پژوهش انتخاب شدند و به مقیاس عشق‌پذیری در سیاهه چندبعدی حرمت خود (ابراین و اپستاین، ۱۹۸۸)، پرسشنامه سبک هویت (برزونسکی، ۱۹۸۹، ۱۹۹۲) و مقیاس نظم‌جویی هیجان (گراس و جان، ۲۰۰۳) پاسخ دادند. نتایج آزمون تحلیل مسیر نقش واسطه‌ای سرکوبی هیجانات را در رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و اجتنابی با عشق‌پذیری و نقش واسطه‌ای شاخص ارزیابی مجدد هیجان‌ها در رابطه بین سبک هویت هنجاری با عشق‌پذیری تأیید کرد اما نقش واسطه‌ای شاخص ارزیابی مجدد هیجان‌ها در رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و اجتنابی با عشق‌پذیری، تأیید نشد. رابطه بین سبک هویت هنجاری و عشق‌پذیری با واسطه‌گری شاخص سرکوبی هیجان‌ها معنا دار نبود، اما نقش واسطه‌ای شاخص ارزیابی مجدد هیجان‌ها در رابطه بین سبک هویت هنجاری با عشق‌پذیری تأیید شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد با کاهش به‌کارگیری راهبرد سرکوبی در افراد دارای سبک‌های هویتی اطلاعاتی و اجتنابی- سردرگم، می‌توان به افزایش ظرفیت این افراد در پذیرش عشق کمک شایانی کرد. سبک‌های هویت هنجاری نیز با به‌کارگیری ارزیابی مجدد هیجان‌ها از توانایی عشق‌پذیری بیشتری برخوردارند که توجه بدان ضروری به نظر می‌رسد.

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های هویتی، نظم‌جویی هیجان، عشق‌پذیری

#### Abstract

The present study aimed to examine the mediating role of emotion regulation in the relationship between identity styles and lovability. The statistical population consisted of undergraduate and master students of Valiasr Complex of Islamic Azad University South Tehran Branch, who were studying in the academic year of 1401-1402. 200 students were selected as the sample group of the research using the convenience sampling method and completed the Lovability Scale of Multidimensional Self-Esteem Inventory (MSEI; O'Brien and Esptein, 1988), Identity style Questionnaire (ISI-6G; Berzonsky, 1989, 1992) and Emotion Regulation Scale (Gross & John, 2003). The results of the path analysis test confirmed the mediating role of emotion suppression in the relationship between informational and avoidant identity style with lovability. The mediating role of emotion reappraisal in the relationship between normative identity style and lovability was also confirmed. The results also did not confirm the mediating role of emotion reappraisal in the relationship between informational and avoidant identity style with lovability. The relationship between normative identity style and loveability with the mediation of emotion suppression was also not significant. However, the mediation of emotion reappraisal in the relationship between normative identity style and lovability was confirmed. These findings show that by reducing the use of suppression strategy in people with informational and avoidant identity styles, it is possible to help increase the capacity of these people in lovability. Normative identity styles also have a greater ability to receive love by using emotional reappraisal, which seems necessary to pay attention to.

**Keywords:** identity styles, emotion regulation, lovability

received: 09 September 2023

accepted: 01 May 2024

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

\*Contact information: sayadpour@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی است.

## مقدمه

روابط عاشقانه در دوران جوانی که با کاوش هویت، تمرکز بر خود و بی‌ثباتی مشخص می‌شود (مایر و آلن، ۲۰۰۹؛ رایفمن، ۲۰۱۱)، به سه دلیل اساسی مهم است: ۱) شکل‌گیری و حفظ روابط عاشقانه یکی از وظایف حیاتی تحول در این مرحله از زندگی است؛ ۲) شکل‌گیری و حفظ روابط عاشقانه تأثیرات مثبتی بر سلامتی و سازش‌یافتگی رفتاری جوانان دارد؛ و ۳) شکل‌گیری و حفظ روابط عاشقانه نقش پیش‌بینی‌کننده برای روابط بعدی و ازدواج دارد (فینچام و کوی، ۲۰۱۱).

روان‌شناسان در مورد چگونگی تعریف عشق اتفاق نظر ندارند (کارنز، ۲۰۲۰). پرل (۲۰۱۷) با این ادعا که فرهنگ مدرن غربی هنجارهای جدیدی در تعریف عشق، شراکت عاشقانه و عشق‌پذیری<sup>۱</sup> دارد، این نکته را مطرح می‌سازد که انتظارات کنونی از عشق رمانتیک و عشق‌پذیری، باید شامل نوعی دوستی صمیمانه، عشقی پرشور، حمایت مالی و حمایت عاطفی باشد. افزون بر آن، عشق‌پذیری از بنیادی‌ترین باورهای فرد درباره خود و بخشی از ارزشمندی خود است (اپستاین، ۲۰۰۳). جامعه‌ای که افراد آن از عشق‌پذیری بالایی برخوردارند در برابر انواع مشکلات و مسائل زندگی، تنیدگی‌های روان‌شناختی، تهدیدها، حوادث ناگوار طبیعی و بیماری‌های روانی از پایداری بالاتری برخوردارند. این امر باعث شکوفایی ویژگی‌های مهم شخصیتی، استعدادهای نهفته، خلاقیت، پیشرفت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خواهد شد (موتلو، بالباگ و جمرک، ۲۰۱۰).

بر مبنای نظریه روانی اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸)، افرادی که بحران هویت را از سر گذرانده‌اند و به هویتی پایدار دست یافته‌اند، پذیرای عشق یا درهم‌آمیزی هویت خویشتن با دیگری هستند. دستیابی به هویت<sup>۲</sup> گامی مهم و اساسی در گذار از نوجوانی و ورود به بزرگسالی است و بحران اصلی در نوجوانی، هویت‌یابی در برابر سردرگمی هویت<sup>۳</sup> است و حل این چالش تحولی، مشروط به آن است که

بر اساس مجموعه‌ای از هدفها، ارزش‌ها و باورهای سازمان‌یافته فردی، احساس باثباتی از خویشتن شکل گیرد (شوارتز و دیگران، ۲۰۱۱؛ کوتاه، ۲۰۰۹). یکی از جنبه‌های ایجاد هویت نسبت به تصمیمات زندگی شخصی، افزایش اهمیت روابط عاشقانه و عشق‌پذیری در دوران بزرگسالی و حوزه‌های هویتی خاص مرتبط با عشق‌پذیری و روابط عاشقانه مانند تعهد رابطه، صمیمیت، عشق و عشق‌پذیری است (آرنت، ۲۰۰۰). برزونسکی (۱۹۹۲) بر این باور است که فرد نوجوان برای پاسخ به سؤال‌هایی همچون «من کیستم؟» و «هدف زندگی‌ام چیست؟» نیازمند پردازش اطلاعاتی است که از دنیای پیرامون خود دریافت می‌کند. به‌همین دلیل برای توصیف چگونگی پردازش اطلاعات در خصوص شکل‌گیری هویت، از سبک‌های پردازش هویت استفاده کرده که عبارت‌اند از: سبک هویت اطلاعاتی<sup>۴</sup>، هنجاری<sup>۵</sup> و سردرگم-اجتنابی<sup>۶</sup> (برزونسکی، ۱۹۸۹؛ برزونسکی و آدامز، ۱۹۹۹؛ برزونسکی و پایینی، ۲۰۲۲). سبک‌های هویت بر اساس میزان تعهد و کاوشگری افراد قابل تمایزند (اونگن، ۲۰۱۱). افرادی که بر سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری تکیه می‌کنند، تعهدات هویتی قوی‌تر و روشن‌تری نسبت به افراد اجتنابی دارند و کمبود تعهدات در افراد اجتنابی آنان را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهد (حجازی، ۲۰۰۶). افرادی که به‌طور معمول بر سبک هویت اطلاعاتی تکیه می‌کنند، نسبت به تجربه باز هستند و تمایل دارند قضاوت را تا زمانی که بتوانند اطلاعات مربوطه را پردازش کنند به تعویق بیندازند (بوش، سگرین و کوران، ۲۰۱۲). آن‌ها به واسطه پردازش اطلاعات بیان هیجانی کمتری دارند (قنادزادگان و دیگران، ۲۰۱۸). افراد هنجاری به طور خودکار استانداردها و انتظارات دیگران را درونی و بر اساس آن عمل می‌کنند (وزیری و دیگران، ۲۰۱۶) و با افراد مهم زندگی‌شان همنوایی دارند (امیدیان، ۲۰۰۹). در نهایت افراد با سبک اجتنابی، در تصمیم‌گیری خود دچار تعلل یا اجتناب (وزیری و

1 - lovability  
2 - identity  
3 - identity diffusion

4 - informational style  
5 - normative style  
6 - diffuse-avoidant style

دیگران، ۲۰۱۶) و گاهی دچار ترس و اضطراب می‌شوند (رابرتسون، دافرن و باکس، ۲۰۱۲).

بر اساس یافته‌های پژوهشی، هویت و صمیمیت به‌طور هم‌زمان در دوران نوجوانی و بزرگسالی پیشرفت می‌کنند و افرادی که در مرحله شکلگیری هویتی دارای تعهدند ممکن است روابط عاشقانه صمیمانه‌تری نسبت به افرادی داشته باشند که تعهد هویتی ندارند (کریگ بری، آدامز و دابسون، ۱۹۸۸؛ دایک و آدامز، ۱۹۸۷؛ پل و وایت، ۱۹۹۰؛ جانسون و دیگران، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) نشان داد که افراد با سبک هویتی اطلاعاتی در روابط بین فردی موفق‌تر عمل می‌کنند و افراد با سبک اجتنابی با مشلات جدی در این زمینه مواجه‌اند. رابطه معنادار هویت با عشق‌پذیری متعهدانه در پژوهش جانسون، کنت و بیل (۲۰۱۲) تأیید شده است. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد سبک هویت اطلاعاتی با عشق‌پذیری رابطه مثبت و سبک هویتی سردرگم-اجتنابی با عشق‌پذیری رابطه منفی دارد (لوپکس و دیگران، ۲۰۰۷). سلیمانیان، ریحانی و نظیفی (۲۰۱۶) نیز نشان دادند سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری با بی‌ثباتی در ازدواج، رابطه منفی و سبک هویتی اجتنابی با بی‌ثباتی در ازدواج، رابطه مثبت دارد. شکرالله‌زاده و مدنی (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود نشان دادند که بین سبک هویتی اجتنابی و عشق‌پذیری رابطه منفی وجود دارد. اگر سبک هویت هنجاری در رابطه بین ادراک منفی از محیط و حرمت خود، نقش واسطه‌ای داشته باشد (گاریسا و دیگران، ۲۰۲۴). بنابراین می‌تواند در کاهش یا افزایش عشق‌پذیری نیز، که بنابر نظر ابراین و اپستاین (۱۹۸۸) یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده حرمت خود است، نقش داشته باشد.

افزون بر سبک‌های هویت، نظم‌جویی هیجان<sup>۱</sup> یک موضوع اصلی در عشق‌پذیری و روابط صمیمانه است (زرواس و دیگران، ۲۰۲۲). تعامل نزدیک با شریک زندگی برای عملکرد بهینه مستلزم برخورداری از ظرفیت‌های نظم‌جویی هیجان است که

منابع نظم‌جویی هیجان در افراد را گسترش می‌دهد (لوگینوهل و شویی، ۲۰۱۸). نظم‌جویی هیجان به معنای آگاهی فرد از هیجان‌های مثبت و منفی خود با هدف بهبود و تغییر حالات هیجانی است که موجب افزایش توانایی فردی برای انجام کار و افزایش آگاهی از نیازهای هیجانی می‌شود (گروس، ۲۰۰۸؛ گروس و جان، ۲۰۰۲). نظم‌جویی هیجان فرایندی است که طی آن فرد در لحظات مختلف فرایند تولید هیجان، از راهبردهای متفاوتی برای اصلاح شدت، مدت یا نوع هیجان خاص برای حفظ پاسخ مناسب استفاده می‌کند. بر طبق یک نظریه شخصیت که دو دهه پیش مطرح شد، افراد بر مبنای تفاوت آن‌ها در پردازش اطلاعات دریافتی از محیط، با یکدیگر متفاوت‌اند و این سازه که حساسیت پردازش حسی<sup>۲</sup> نام دارد، با نظم‌جویی هیجانی ارتباط معکوس دارد (لیو و تیان، ۲۰۲۴) و حساسیت بالا نسبت به محیط با کاهش نظم‌جویی هیجانی همراه است. از سوی دیگر، مهارت‌های نظم‌جویی هیجانی که در طول زندگی گسترش می‌یابند برای سلامت روانی، مقابله با اضطراب و برقراری روابط اجتماعی حیاتی هستند (خانی و دیگران، ۲۰۲۰). راهبردهای نظم‌جویی هیجانی و سبک‌های هویت، نقش مهمی در سلامت روانی، آسیب‌شناسی روانی و تجربه هیجانات منفی دارند (کیرا و دیگران، ۲۰۱۹) و نظم‌جویی هیجانی با سبک‌های هویت رابطه مثبت دارد (شتیوی، ۲۰۲۳). نظم‌جویی هیجانی افزون بر ارتباط با عشق‌پذیری، با سبک‌های هویتی نیز ارتباط دارد. نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری با نظم‌جویی هیجانی رابطه مثبت و بین سبک هویت سردرگم-اجتنابی با نظم‌جویی هیجانی رابطه منفی وجود دارد (محمدی و فولادچنگ، ۲۰۱۸). به باور اریکسون (۱۹۸۲) نقل از دادستان، (۲۰۱۳)، بزرگسالان جوانی که بحران هویت را پشت سر گذاشته‌اند و به هویتی پایدار دست یافته‌اند خواستار عشق یا درهم‌آمیزی هویت خویشتن با دیگری در چهارچوب صمیمیتی متقابل هستند. تعامل

نزدیک با شریک زندگی برای عملکرد بهینه مستلزم ظرفیت نظم‌جویی هیجان است و در عین حال در خدمت اهداف نظم‌جویی هیجان است و منابع نظم‌جویی هیجان افراد را گسترش می‌دهد (لوگینوئل و شویی، ۲۰۱۸). بدین ترتیب، نقش سبک‌های هویت در راهبردهای نظم‌جویی هیجان (محمدي و فولادچنگ، ۲۰۱۸) و سهم هیجان‌ها در برقراری روابط صمیمانه، عشق‌پذیری و شکل‌گیری تعامل افراد با فردی که به او عشق می‌ورزند (لوگینوئل و شویی، ۲۰۱۸)، اثر غیر مستقیم سبک‌های هویت بر عشق‌پذیری از طریق نظم‌جویی هیجان را برجسته می‌سازد. با توجه به خلاء پژوهش‌های موجود، این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای نظم‌جویی هیجانی در رابطه بین سبک‌های هویت و عشق‌پذیری صورت گرفت.

## روش

روش پژوهش از نوع همبستگی، جامعه آماری دانشجویان مجتمع ولیعصر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ و روش نمونه‌برداری دردسترس بود. طبق نظر کلایین<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) حجم نمونه ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد زیرا حجم مناسب نمونه در پژوهش‌هایی از نوع معادلات ساختاری، ۲۰۰ نفر است و به‌دلیل مشابهت با طرح‌های رگرسیونی، در این مورد نیز از این قاعده استفاده شد. میانگین سنی دانشجویان گروه نمونه ۳۵ سال و انحراف استاندارد آن ۹/۳۳ بود. ابزارهای پژوهش مقیاس عشق‌پذیری<sup>۲</sup> سیاهه چندبعدی حرمت خود<sup>۳</sup> (ابراین و ایستاین، ۱۹۸۸)، پرسشنامه سبک هویت<sup>۴</sup> (برزونسکی، ۱۹۹۲/۱۹۸۹) و مقیاس نظم‌جویی هیجان<sup>۵</sup> (گراس و جان، ۲۰۰۳) بود.

## مقیاس عشق‌پذیری سیاهه چندبعدی

**حرمت خود** (ابراین و ایستاین، ۱۹۸۸). این سیاهه ۱۱۶ ماده‌ای به ارزیابی حرمت خود کلی و ۱۰ زیرمقیاس صلاحیت<sup>۶</sup>، قدرت فردی<sup>۷</sup>، عشق‌پذیری<sup>۸</sup>، محبوبیت اجتماعی<sup>۹</sup>، خودمهارگری<sup>۱۰</sup>، تأیید اخلاقی خود<sup>۱۱</sup>، کنش‌وری بدنی<sup>۱۲</sup>، انسجام هویت<sup>۱۳</sup>، خودافزایش‌دهی دفاعی<sup>۱۴</sup> و ظاهر بدنی<sup>۱۵</sup> می‌پردازد. در این پژوهش از مقیاس عشق‌پذیری با ۱۰ ماده به‌منظور سنجش باورهای فرد در مورد میزان شایستگی و ارزشمندی در دریافت عشق در روابط استفاده شد. نمره‌گذاری هر ماده از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) و در بخش دوم از هرگز (۱) تا خیلی مواقع (۵) بر مبنای مقیاس لیکرتی پنج‌درجه‌ای صورت می‌گیرد. روایی مقیاس عشق‌پذیری در مقایسه با سایر مقیاس‌های خودارزیابی مانند سیاهه افسردگی بک<sup>۱۶</sup> (۱۹۶۷)، مقیاس حرمت خود کلی<sup>۱۷</sup> (ایگلی<sup>۱۸</sup>، ۱۹۶۷)، مقیاس حرمت خود<sup>۱۹</sup> (روزنبرگ<sup>۲۰</sup>، ۱۹۶۵) و مقیاس انتظارات عمومی موفقیت<sup>۲۱</sup> (فیل<sup>۲۲</sup> و هیل<sup>۲۳</sup>، ۱۹۷۸) به‌ترتیب ۰/۵۶، ۰/۵۸، ۰/۵۰ و ۰/۵۳ تأیید شد (ابراین و ایستاین، ۱۹۸۸). این ابزار در ایران توسط حیدری و نعمت‌طاوسی (۲۰۲۱) ترجمه و هنجاریابی شد و آلفای کرونباخ آن، پس از مطالعه مقدماتی اولیه روی نمونه‌ای متشکل از ۵۰ دانشجو، ۰/۷۹ به‌دست آمد. در این پژوهش، اعتبار مقیاس عشق‌پذیری با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به‌دست آمد.

## پرسشنامه سبک هویت (برزونسکی،

۱۹۹۲/۱۹۸۹). این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۱ ماده آن در ارتباط با سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ ماده آن در ارتباط با سبک هویت سردرگم‌اجتنابی و ۹ ماده هم مربوط به سبک هویت هنجاری است. افزون بر

1 - Kline, T. J. B.

2 - Lovability Scale

3 - Multidimensional Self-Esteem Inventory (MSEI)

4 - Identity Style Questionnaire (ISI-6G)

5 - Emotion Regulation Scale

6 - competence

7 - personal power

8 - lovability

9 - likability

10 - self-control

11 - moral self-approval

12 - body functioning

13 - identity integration

14 - defensive self-enhancement

15 - body appearance

16 - Beck Depression Inventory

17 - General Self Esteem

18 - Eagly, A. H.

19 - Self Esteem Scale

20 - Rosenberg, M.

21 - Generalized Expectancy of Success Scale (GESS)

22 - Fibel, B.

23 - Hale, W. D.

## مقیاس نظم‌جویی هیجان (گراس و

جان، ۲۰۰۳). این مقیاس ۱۰ ماده دارد و شامل دو زیرمقیاس ارزیابی مجدد<sup>۲</sup> و سرکوب<sup>۳</sup> هیجان است. در این مقیاس، پاسخ‌های آزمودنی‌ها بر اساس مقیاس لیکرت از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) نمره‌گذاری می‌شود. اعتبار مقیاس توسط گراس و جان (۲۰۰۳) بر مبنای آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد ۰/۷۹ و برای سرکوب هیجان ۰/۷۳ و اعتبار بازآزمایی بعد از ۳ ماه برای کل مقیاس ۰/۶۹ گزارش شده است. همچنین همبستگی ارزیابی مجدد با مقیاس عواطف مثبت ۰/۲۴ و عواطف منفی ۰/۱۴- و سرکوب هیجان با مقیاس عواطف مثبت ۰/۱۵- و عواطف منفی ۰/۱۴- به‌دست آمده است. اعتبار این مقیاس در ایران توسط قاسم‌پور و دیگران (۲۰۱۲) نقل از مشهدی و دیگران، (۲۰۱۳) دامنه آلفای کرونباخ را ۰/۶۰ تا ۰/۸۱ و روایی ابزار مذکور را با محاسبه همبستگی بین دو زیرمقیاس ۰/۱۳ گزارش کردند. در این پژوهش، اعتبار مقیاس نظم‌جویی هیجان برای شاخص ارزیابی مجدد هیجان و شاخص سرکوبی هیجان با روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب، ۰/۷۰ و ۰/۶۸ به‌دست آمد.

داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل مسیر تحلیل شدند.

## یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد، کشیدگی و چولگی متغیرها در جدول ۱ آمده است.

سه سبک هویت، ۱۰ ماده آن نیز مربوط به تعهد است و سه سبک هویت (سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی) را بررسی می‌کند و چند ماده آن نیز مربوط به تعهد است. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) صورت می‌گیرد. برزونسکی (۱۹۹۲) اعتبار ابزار را با روش آلفای کرونباخ، برای سبک هویت اطلاعاتی ۰/۶۲، برای سبک هویت هنجاری ۰/۶۶ و برای سبک هویت سردرگم-اجتنابی ۰/۷۳ در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ گزارش کرد. وایت و دیگران (۱۹۹۸) نقل از غضنفری، ۲۰۰۴) آلفای کرونباخ نسخه بازنگری‌شده پرسشنامه سبک هویت برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی را به‌ترتیب برابر ۰/۵۹، ۰/۶۴ و ۰/۷۸ و برای زیرمقیاس تعهد، ۰/۷۹ به‌دست آوردند. غضنفری (۲۰۰۳) روایی همزمان پرسشنامه سبک هویت را با سلامت عمومی (گلدبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۷۲)، محاسبه کرد و ضریب همبستگی بین سبک اجتنابی، سبک هنجاری و سبک اطلاعاتی با سلامت عمومی را به‌ترتیب ۰/۴۱-، ۰/۷۳ و ۰/۲۲۷ گزارش کرد. اعتبار پرسشنامه هم با روش آلفای کرونباخ برای سبک اجتنابی، سبک هنجاری و سبک اطلاعاتی ۰/۶۳، ۰/۵۱ و ۰/۶۵ به‌دست آمد. در این پژوهش، اعتبار پرسشنامه سبک‌های هویتی برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی با استفاده از آلفای کرونباخ، به‌ترتیب ۰/۴۴، ۰/۴۹ و ۰/۴۷ به‌دست آمد.

جدول ۱

خلاصه یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیرها         | زیرمقیاس‌ها             | <u>M</u> | <u>SD</u> | نسبت کشیدگی | نسبت چولگی |
|-----------------|-------------------------|----------|-----------|-------------|------------|
| سبک‌های هویتی   | سبک هویت اطلاعاتی       | ۷۵/۳۸    | ۱۳/۴      | -۴۴/۰       | ۹۵/۰       |
|                 | سبک هویت هنجاری         | ۲۹/۲۷    | ۷۱/۴      | ۳۷/۱        | ۳۹/۱       |
|                 | سبک هویت سردرگم-اجتنابی | ۳۸/۲۷    | ۸۴/۴      | ۱۳/۱        | ۷/۰        |
| نظم‌جویی هیجانی | ارزیابی مجدد            | ۸/۲۶     | ۹۹/۴      | ۶۷/۰        | -۶۱/۰      |
|                 | سرکوبی                  | ۱۱/۱۶    | ۳۶/۴      | -۴۶/۱       | ۳۱/۰       |
|                 | عشق‌پذیری               | ۲۹/۳۳    | ۶۷/۶      | ۹۹/۱        | ۱۹/۰       |

در بازه مورد قبول قرار دارند و توزیع نمره‌های متغیرها نرمال است.

همان‌طور که یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد تمامی نسبت‌های کشیدگی و چولگی متغیرهای پژوهش

جدول ۲

بررسی عامل تورم واریانس و ضریب تحمل متغیرهای پیشین

| متغیرهای پژوهش            | شاخص تحمل | عامل تورم واریانس |
|---------------------------|-----------|-------------------|
| سبک هویت اطلاعاتی         | ۸۷۳/۰     | ۱۴/۱              |
| سبک هویت هنجاری           | ۹۱۵/۰     | ۰۹/۱              |
| سبک هویت سردرگم-اجتنابی   | ۸۹۹/۰     | ۱۱/۱              |
| شاخص ارزیابی مجدد هیجانات | ۹۲۳/۰     | ۰۸/۱              |
| شاخص سرکوبی هیجانات       | ۸۸۲/۰     | ۱۳/۱              |

واریانس کمتر از ۵ است که نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد مقادیر شاخص تحمل بیش از ۰/۱۰ مقادیر عامل تورم

جدول ۳

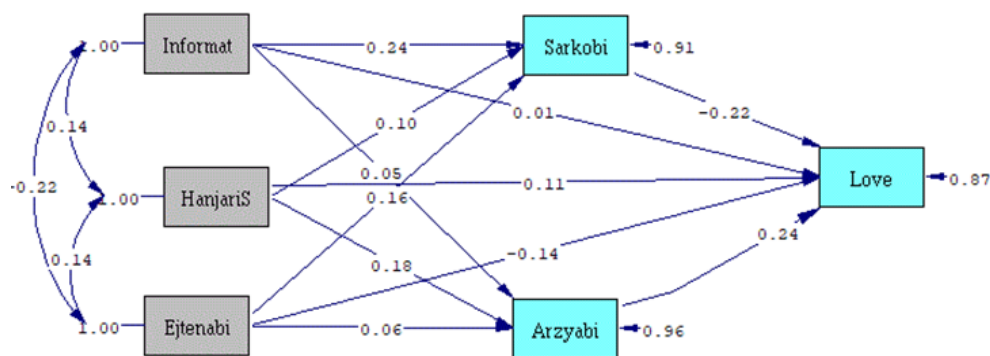
ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

| متغیرها                       | ۱        | ۲       | ۳      | ۴       | ۵       |
|-------------------------------|----------|---------|--------|---------|---------|
| ۱. سبک هویتی اطلاعاتی         | -        |         |        |         |         |
| ۲. سبک هویتی هنجاری           | ۰۸/۰     | -       |        |         |         |
| ۳. سبک هویتی اجتنابی          | ** -۲۶/۰ | ** ۲۳/۰ | -      |         |         |
| ۴. شاخص ارزیابی مجدد هیجان‌ها | ** ۲۱/۰  | * ۱۸/۰  | * ۱۴/۰ | -       |         |
| ۵. شاخص سرکوبی هیجان‌ها       | * ۱۸/۰   | * ۱۷/۰  | ۱۲/۰   | ** ۳۴/۰ | -       |
| ۶. مقیاس عشق‌پذیری            | ۰۸/۰     | ۰۸/۰    | -۰۷/۰  | ** ۲۰/۰ | * -۱۷/۰ |

\* $P > 0.05$  \*\* $P > 0.001$

با عشق‌پذیری همبستگی معنادار ندارند. همبستگی شاخص ارزیابی و سرکوبی هیجان‌ها هم با عشق‌پذیری معنادار بود پس از محاسبه ماتریس همبستگی بین متغیرها آزمون تحلیل مسیر اجرا شد (شکل ۱)

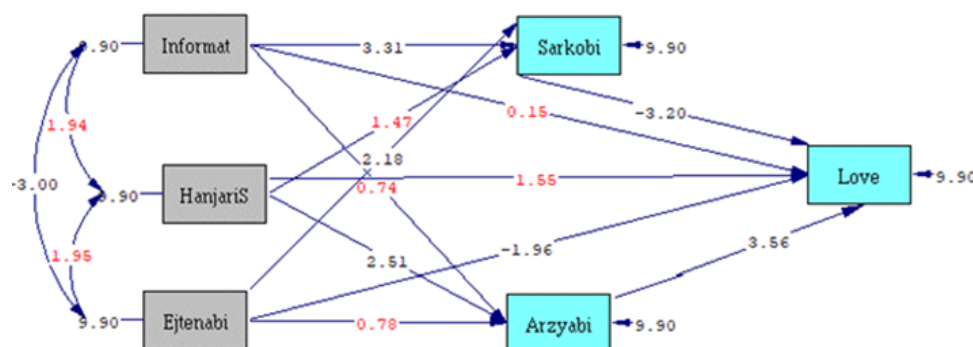
همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود به استثنای سبک هویتی اجتنابی که با شاخص سرکوبی هیجان‌ها همبستگی معنادار ندارد سایر سبک‌های هویتی با نظم‌جویی هیجان رابطه معنادار دارند اما هیچ یک از سبک‌های هویتی



Chi-Square=7.10, df=1, P-value=0.00771, RMSEA=0.176

شکل ۱. تحلیل مسیر رابطه سبک‌های هویتی و عشق‌پذیری با واسطه‌گری شاخص‌های ارزیابی و سرکوبی هیجان (ضرایب همبستگی)

شکل ۲ گزارش شده است. سطح معناداری ضرایب همبستگی بین متغیرها در

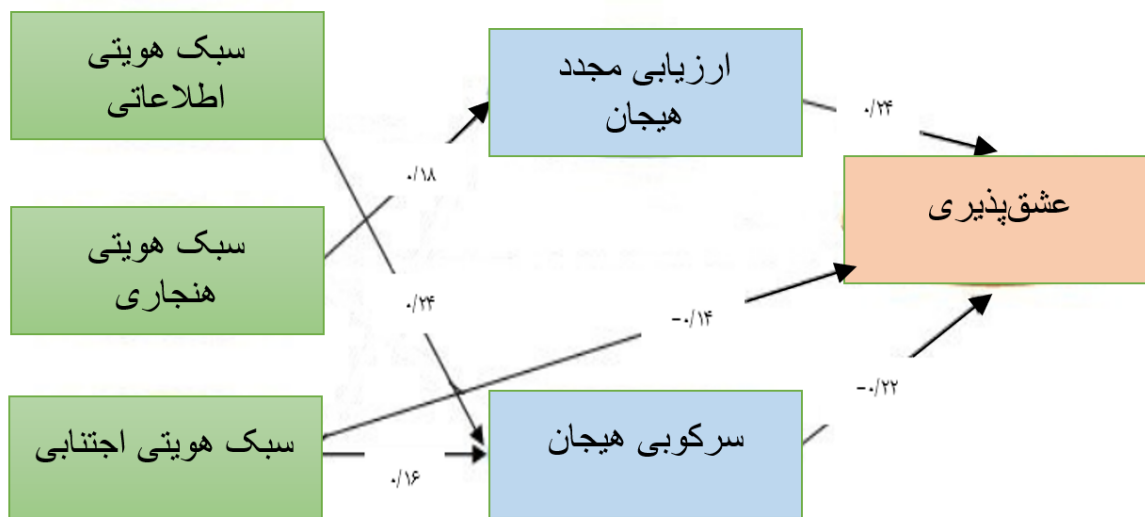


Chi-Square=7.10, df=1, P-value=0.00771, RMSEA=0.176

شکل ۲. تحلیل مسیر رابطه سبک‌های هویت و عشق‌پذیری با واسطه‌گری شاخص‌های ارزیابی و سرکوبی هیجان (سطح معناداری)

مجدد هیجانات و مسیر سبک هویت هنجاری به سرکوبی هیجان‌ها (شکل ۲)، مدل مفهومی پژوهش اصلاح شد. شکل ۳ مدل اصلاح‌شده را نشان می‌دهد.

با توجه به عدم معناداری مسیر مستقیم از سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری به عشق‌پذیری و مسیر مستقیم سبک هویت اطلاعاتی و اجتنابی به ارزیابی



شکل ۳. مدل مفهومی اصلاح شده پژوهش

مجدد هیجان نیز در رابطه سبک هنجاری با عشق‌پذیری نقش واسطه‌ای دارد. به عبارتی سبک هنجاری با واسطه‌گری ارزیابی مجدد هیجان با عشق‌پذیری رابطه مثبت دارد. ضرایب مسیرهای غیرمستقیم مدل اصلاح‌شده با استفاده از آزمون Z سوبل در جدول ۴ آمده است.

همانطور که در شکل ۳ نشان داده شده است سرکوبی هیجانی در رابطه بین سبک‌های هویتی اطلاعاتی و اجتنابی با عشق‌پذیری نقش واسطه‌ای دارد. به عبارتی سبک‌های هویتی اطلاعاتی و اجتنابی به واسطه سرکوبی هیجانی با عشق‌پذیری رابطه معکوس دارند. ارزیابی

| متغیر برون‌زا | متغیر درون‌زا | متغیر واسطه‌ای       | ضریب غیرمستقیم | آماره Z sobel | P     |
|---------------|---------------|----------------------|----------------|---------------|-------|
| هویت اطلاعاتی | عشق‌پذیری     | سرکوبی هیجانات       | -۱۹/۱۱         | ۳۶/۲          | *۰۱/۰ |
| هویت اجتنابی  | عشق‌پذیری     | سرکوبی هیجانات       | -۳۷/۷          | ۸۴/۱          | *۰۵/۰ |
| هویت هنجاری   | عشق‌پذیری     | ارزیابی مجدد هیجانات | ۳/۹            | ۰۹/۲          | *۰۳/۰ |

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد مسیر غیرمستقیم سبک هویت اطلاعاتی و اجتنابی به عشق‌پذیری با واسطه‌گری متغیر سرکوبی هیجان‌ها و همچنین مسیر

غیرمستقیم سبک هویت هنجاری به عشق‌پذیری با واسطه‌گری ارزیابی مجدد هیجان‌ها معنادار است. شاخص‌های برازش مدل نیز تأیید شدند (جدول ۵)

| شاخص‌ها       | $\chi^2/df$ | GFI  | AGFI | CFI  | NFI  | NNFI | RMSEA |
|---------------|-------------|------|------|------|------|------|-------|
| مدل اولیه     | ۱۰/۷        | ۸۷/۰ | ۷۹/۰ | ۹۱/۰ | ۸۶/۰ | ۸۲/۰ | ۱۸/۰  |
| مدل اصلاح شده | ۸۹/۰        | ۹۹/۰ | ۹۷/۰ | ۹۹/۰ | ۹۰/۰ | ۹۹/۰ | ۰۰۱/۰ |

همچنین واریانس تبیین‌شده متغیرهای ارزیابی مجدد هیجان، سرکوبی هیجان و عشق‌پذیری به ترتیب ۰/۰۳، ۰/۱۴ و ۰/۲۶ به دست آمد.

## بحث

این پژوهش با هدف تعیین نقش واسطه‌ای نظم‌جویی هیجانی در رابطه بین سبک‌های هویتی و عشق‌پذیری انجام شد. نتایج الگوی معادلات ساختاری رابطه مستقیم سبک هویت اجتنابی با عشق‌پذیری را تأیید کرد اما رابطه سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با عشق‌پذیری تأیید نشد. در مورد روابط غیرمستقیم متغیرها نیز نقش واسطه‌ای سرکوبی هیجانی در رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و اجتنابی با عشق‌پذیری و نقش واسطه‌ای ارزیابی مجدد در رابطه بین سبک هویت هنجاری با عشق‌پذیری، تأیید شدند. اما بین سبک هویت اطلاعاتی و عشق‌پذیری با واسطه‌گری شاخص ارزیابی مجدد هیجان‌ها و بین سبک هویت هنجاری با عشق‌پذیری با واسطه‌گری سرکوبی هیجانی رابطه‌ای مشاهده نشد.

وجود رابطه منفی بین سبک هویتی اجتنابی و عشق‌پذیری با یافته‌های سلیمانیان و دیگران (۲۰۱۶) و شکرالله‌زاده و مدنی (۲۰۱۶) همسو بود. افراد با سبک هویتی اجتنابی، تا حد ممکن از موقعیت‌های

تعارض‌برانگیز دوری می‌جویند و تصمیم‌گیری را به تأخیر می‌اندازند. همچنین در مواقعی که امکان این تأخیر وجود نداشته باشد، در تصمیم‌گیری بیشتر به مقتضیات و پیامدهای محیطی تکیه می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۸۹). این افراد از اکتشاف درباره هویت اجتناب می‌کنند و ترجیح می‌دهند تصمیم‌های هویتی آن‌ها به واسطه نیازهای کوتاه‌مدت فوری راهبری شود (برزونسکی و آدامز، ۱۹۹۹)، از این‌رو راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور و راهبردهای تصمیم‌گیری سازش‌نا یافته و راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمدی را به کار می‌گیرند (برزونسکی، ۱۹۸۹، ۱۹۹۹) که پیامد آن، ناتوانی در برقراری روابط صمیمانه و حفظ شبکه حمایت اجتماعی و عدم برخورداری از صمیمیت، گشودگی، شکیبایی و اعتماد در روابط است (حجازی، ۲۰۰۶)؛ بنابراین افراد با سبک هویت اجتنابی، از عشق‌پذیری فاصله می‌گیرند. وجود رابطه مثبت بین سبک هویتی اجتنابی با شاخص سرکوبی با یافته‌های محمدی و فولادچنگ (۲۰۱۸) همسو بود. در توجیه رابطه مثبت بین سبک هویت اجتنابی و سرکوبی می‌توان به این نکته اشاره کرد که احساس هویت افراد با هویت اجتنابی، منعکس‌کننده موقعیت آن‌هاست. آنان بیشتر نگران محبوبیت اجتماعی خود و برداشت‌های دیگران هستند

(برزونسکی و آدامز، ۱۹۹۹). افراد با هویت اجتنابی زمانی که در کوشش خود برای رسیدن به اهدافشان شکست میخورند، احساس بی کفایتی میکنند که احتمالاً به دلیل متوسل شدن آن‌ها به راهبردهای مقابله ضعیف است که تحت تأثیر اجتناب پایدار آن‌ها از احساس‌های منفی قرار دارد و سعی میکنند با سرکوب هیجان‌ها، با احساس منفی ناشی از شکست و بی کفایتی مقابله کنند. سرکوب هیجانی نیز مستلزم تلاش شناختی بسیار برای تغییر نتیجه یک موقعیت خاص، پس از تجربه هیجانی مربوط به موقعیت است (گروس، ۲۰۰۸). به همین دلیل آنان نیاز دارند که تلاش شناختی بیشتری را برای تغییر موقعیت (مانند موقعیت شکست) صرف کنند و به عبارتی بیشتر هیجان‌های خود را سرکوب کنند.

رابطه سرکوبی هیجانی با عشق‌پذیری هم منفی معنادار بود. سرکوبی هیجانی با کیفیت پایین گفت‌وگو با شریک احساسی همراه است (زرواس و دیگران، ۲۰۲۲). در حالی که عشق‌پذیری در روابط بین فردی، مستلزم بیان احساس به فرد مقابل است. بنابراین، سرکوبی هیجان همواره با کاهش بیان احساسی، به روابط بین فردی آسیب میزند و موجب سردی و دوری افراد از یکدیگر می‌شود و پذیرش عشق را دچار مشکل می‌سازد.

در تبیین تأیید نقش واسطه‌ای سرکوبی هیجان در رابطه بین سبک هویت اجتنابی با عشق‌پذیری می‌توان گفت افراد با سبک هویتی اجتنابی از نزدیک شدن به افراد مورد علاقه خود، می‌ترسند (اریکسون، ۱۹۶۳؛ برزونسکی، ۱۹۸۹) چنین افرادی به دلیل ناتوانی در نظم‌جویی هیجان به احتمال بیشتری در روابط زوجی با مشکل روبه‌رو خواهند شد و احتمالاً بی‌ثباتی بیشتری را در ازدواج خود تجربه می‌کنند (سلیمانیان و دیگران، ۲۰۱۶) و به دلیل این که هنگام حضور در موقعیت‌های تنیدگی‌زا قادر به مهار برانگیزی‌های خود نیستند در تلاش برای اصلاح، پایان دادن یا پرهیز از حالات هیجانی ناراحت‌کننده به شکلی پرخاشگرانه رفتار می‌کنند (رابرتسون و دیگران، ۲۰۱۲) و با سرکوب هیجان‌ها، با احساس منفی ناشی از شکست و بی کفایتی

مقابله میکنند. بنابراین به نظر میرسد که افراد با سبک هویت اجتنابی به دلیل سرکوب هیجان‌های خود کمتر میتوانند عشق را از سوی دیگران بپذیرند. رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی با عشق‌پذیری، با وجود این که مثبت بود اما معنادار نبود. هرچند که بررسی این دو رابطه تا به حال صورت نگرفته است اما میتوان آن را به طور کلی همسو با پژوهش سلیمانیان و دیگران (۲۰۱۶) دانست که رابطه هویت اطلاعاتی را با ثبات در زندگی زناشویی بررسی کردند و این دو رابطه را منفی معنادار یافتند. به عبارتی بر مبنای پژوهش سلیمانیان و دیگران (۲۰۱۶) هویت اطلاعاتی با بیثباتی‌ها در ازدواج رابطه منفی داشت و این هویت میتواند بیثباتی‌ها در ازدواج را پیشبینی کند. در پژوهش حاضر نیز جهت رابطه هویت اطلاعاتی با عشق‌پذیری مثبت بود اما معنادار نبود. در تبیین رابطه مثبت بین سبک هویت اطلاعاتی می‌توان گفت نوجوانان با سبک هویتی اطلاعاتی، به صورت فعال و آگاهانه به جست‌وجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها می‌پردازند و نسبت به دیدگاه‌های خود، موضعی شکاکانه اتخاذ می‌کنند. بنابراین در روابط بین فردی با دید انتقادی و ارزیابانه پیش میروند اما در صورت تأیید فرد متقابل، تعهد بیشتری نسبت به انتخاب‌های خود از جمله همسر خویش دارند، در برخورد با شرایط تنش‌زا و بحرانی سعی در حل مسئله داشته و افکار خود را در جهت حل آن هدایت میکنند (سلیمانیان و دیگران، ۲۰۱۶)، روابط با ثباتی را با وی پی‌ریزی می‌کنند و عشق را می‌پذیرند. در مورد عدم معنادار نشدن این رابطه در پژوهش میتوان بدین نکته اشاره کرد که ۱۰۷ نفر از افراد نمونه مجرد بودند و احتمال این که انتخاب و تعهدی را نسبت به جنس مخالف، تا به حال تجربه نکرده باشند، بسیار زیاد بود. بنابراین عدم برخورداری از تجربه احساسی می‌تواند بر نتایج پژوهش تأثیر گذاشته باشد.

بین سبک هویتی اطلاعاتی و سرکوبی هیجان‌ها رابطه مثبت وجود داشت. این نتیجه همسو با نظریه برزونسکی است. بر مبنای ویژگی‌های افراد با سبک

هویت اطلاعاتی، رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی با شاخص سرکوبی هیجان باید منفی باشد، زیرا افراد با سبک هویتی اطلاعاتی فعالانه و آگاهانه در جست‌وجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها هستند و نسبت به اطلاعات مربوط به خود، اعتماد و اطمینان لازم را نشان می‌دهند؛ به همین سبب، سبک هویتی اطلاعاتی، سبکی سازش‌یافته تلقی می‌شود (برزونسکی، ۱۹۸۹). به عبارتی افراد با این سبک هویت قادرند هیجان‌های خود را به گونه‌ای مؤثر ابراز کنند و از سرکوبی هیجانی استفاده نکنند. با وجود این، به نظر می‌رسد در ایران تضاد ارزش‌های مذهبی با ارزش‌های فعلی جامعه و جوامع غربی، در خصوص ارتباط با جنس مخالف، افراد با سبک هویت اطلاعاتی را در معرض تعارض‌هایی قرار می‌دهد که به ناچار در مواجهه با تنیدگی‌ها، پاسخ سازش‌نا یافته سرکوب و اجتناب را به‌کار می‌گیرند.

افزون بر آن، نتایج تحلیل مسیر نقش واسطه‌گری سرکوبی هیجان در رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی با عشق‌پذیری را تأیید کرد. به عبارتی نتایج نشان داد سبک هویت اطلاعاتی با واسطه‌گری سرکوبی هیجانی، با عشق‌پذیری رابطه منفی دارد. با وجود آنکه مدل ارائه‌شده در این پژوهش پیش‌تر مورد بررسی قرار نگرفته است، شاید بتوان آن را با پژوهش سلیمانیان و دیگران (۲۰۱۶) مشابه دانست. همچنین اگرچه افراد با سبک هویت اطلاعاتی در برابر دیدگاه و عقاید دیگران گشوده و پذیرا هستند و شکیبایی از خود نشان می‌دهند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰)، اما به‌نظر می‌رسد بحران‌ها و تضادهای فرهنگی در فرهنگ ایرانی، افراد با سبک هویت اطلاعاتی را به استفاده از راهبردهای هیجانی اجتنابی وامی‌دارد. بدین ترتیب، به‌نظر می‌رسد این سبک هویتی با کسب اطلاعاتی از جامعه، مانند آمار خیانت‌ها و جدایی‌ها نوعی بی‌اعتمادی نسبت به دیگران را در خود می‌پروراند و هنگام مواجهه با دیگران به دلیل سرکوبی هیجانی، موانعی را در راه صمیمیت ایجاد میکند و از نزدیک شدن به دیگران می‌ترسد. همچنین نتایج نشان داد بین سبک هویتی هنجاری با عشق‌پذیری رابطه مثبت معنادار وجود

ندارد. افراد با سبک هویتی هنجاری، در مواجهه با مسائل به شیوه‌ای واکنشی و هماهنگ با انتظارات گروه‌های مرجع و دیگران عمل می‌کنند و تمایلی به بررسی اطلاعات ناهمگون با ارزش‌ها و باورهایشان را ندارند (برزونسکی، ۱۹۸۹)، اما طبق نظریه اریکسون، شکل‌گیری هویت هنجاری، پیش از هر چیز تحت تأثیر توافق افراد جامعه درباره ارزش‌های بنیادی و میزان قرار گرفتن فرد در معرض تغییرات اجتماعی قرار دارد (دادستان، ۲۰۱۳). با توجه به دگرگونی‌های سریع اجتماعی، گستره متنوع ارزش‌ها و هدف‌ها، فقدان چشم‌اندازی امیدبخش به علت شرایط اقتصادی، روند سریع افزایش جمعیت، نرخ بالای بیکاری، خواسته‌ها و آرزوهای حرفه‌ای جوانان را تهدید می‌کند (دادستان، ۲۰۱۳). به‌نظر می‌رسد افراد با هویت هنجاری، دل‌مشغولی خود را به مسائل دیگری ورای برقراری روابط عاشقانه معطوف می‌سازند. به همین دلیل با وجود همبستگی مثبت بین سبک هویت هنجاری و عشق‌پذیری، معنادار بودن این رابطه تأیید نشد.

نتایج همچنین نشان داد بین سبک هویتی هنجاری با شاخص ارزیابی مجدد هیجان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. افراد با سبک هویت هنجاری همواره با افراد مهم زندگی‌شان هم‌نواپی ایجاد می‌کنند، در مقابل تهدیدات بالقوه پاسخ‌های قبلی به‌کار می‌بندند، دست به تحریف شناختی می‌زنند و سعی در حفظ موجودیت قبلی خود دارند (امیدیان، ۲۰۰۹). به‌علاوه، به دلیل اختلاف بین اطلاعات موجود درباره آنچه هستند و آنچه جامعه طلب می‌کند، هنگام رویارویی با اطلاعات و مسائل مربوط به هویت، به احساس گناه و نگرانی از تجربه شکست دچار می‌شوند (وزیری و دیگران، ۲۰۱۶). نوجوانان با سبک هنجاری به‌شدت به ساختار هویت موجود خود پایبند هستند؛ طوری که تمام اطلاعاتی که ارزش‌ها و اعتقاداتشان را تهدید کند، نادیده می‌گیرند (اونگن، ۲۰۱۱). این افراد از یک‌سو تحمل ناکامی ندارند و مکانیزم‌های دفاعی ناپخته را به‌کار می‌گیرند (بوش و دیگران، ۲۰۱۲)، اما از سوی دیگر از سازش‌یافتگی

نزدیک با فردی دیگر دست یابد (ولچمن، ۲۰۰۰ نقل از دادستان، ۲۰۱۳). بر مبنای نتایج این پژوهش آشکار شد سبک‌های هویت و نظم‌جویی هیجانی، نقشی اساسی در عشق‌پذیری ایفا می‌کنند.

رابطه بین سبک هویت اجتنابی و عشق‌پذیری با واسطه‌گری شاخص ارزیابی مجدد هیجان‌ها تأیید نشد. افراد با سبک هویت اجتنابی به دلیل احساس بی‌کفایتی بیشتر بر راهبردهای مقابله‌ای ضعیف مانند سرکوبی و اجتناب تکیه می‌کنند (گروس، ۲۰۰۸). آنان سعی نمی‌کنند تا موقعیت را ارزیابی کنند بلکه بیشتر می‌کوشند تا به لحاظ شناختی موقعیت را تغییر دهند. بنابراین تمایلی به ارزیابی مجدد ندارند و بیشتر در صدد سرکوب هیجان‌های خود هستند. به‌همین دلیل با وجود این که رابطه بین هویت اجتنابی و عشق‌پذیری منفی معنادار بود، نقش واسطه‌گری شاخص ارزیابی مجدد هیجان‌ها در این رابطه معنادار نشد، زیرا که افراد اجتنابی تمایلی به استفاده از ارزیابی مجدد هیجانی ندارند.

رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و عشق‌پذیری با میانجی‌گری شاخص ارزیابی مجدد هیجان‌ها نیز تأیید نشد. نتایج نشان داد رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی با عشق‌پذیری نیز معنادار نبود. در حالی که بر حسب نظریه‌ها افراد با این نوع هویت، به دلیل ارزیابی منتقدانه از دیگران، اگر فردی را تأیید کنند، نسبت به او متعهد خواهند بود و عشق را می‌پذیرند (سلیمانیان و دیگران، ۲۰۱۶). اما این رابطه در پژوهش حاضر معنادار نشد، زیرا که اغلب افراد گروه نمونه مجرد بودند و به احتمال زیاد به نظر می‌رسد که هنوز به انتخاب و تعهد نسبت به جنس مخالف، دست نیافته بودند. بنابراین عدم برخورداری از تجربه احساسی می‌تواند علت عدم همخوانی نتایج با نظریه‌ها باشد. رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی با ارزیابی مجدد هیجان نیز تأیید نشد. هرچند افراد با سبک هویت اطلاعاتی، آگاهانه اطلاعات را جست‌وجو می‌کنند و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۸۹)، با

روان‌شناختی برخورد دارند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵) و به همین دلیل از راهبردهای سازش‌یافته هیجان همچون ارزیابی مجدد استفاده می‌کنند.

رابطه مثبت ارزیابی مجدد هیجان با عشق‌پذیری نیز تأیید شد. ارزیابی مجدد شناختی به افراد این امکان را می‌دهد که هیجان‌های مثبت بیشتر و هیجان‌های منفی کمتری را تجربه و احساس کنند (گروس و جان، ۲۰۰۲). ارزیابی مجدد روابط شامل بررسی مجدد عوامل بالقوه آسیب‌زا به شیوه مثبت است که موجب می‌شود فرد درباره آینده ارزیابی مجددی انجام دهد و درباره آن به شیوه‌ای مثبت فکر کند (کارنز، ۲۰۲۰). این نوع ارزیابی نه تنها موجب بهتر و مثبت دیدن آینده می‌شود بلکه در روابط بین فردی نیز با ارزیابی مجدد مثبت، امکان تمرکز فرد بر جنبه‌های مثبت دیگران را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد ارزیابی مجدد با شیوه مثبت، توانایی پذیرش عشق را هم افزایش می‌دهد و با عشق‌پذیری رابطه مثبت دارد.

نتایج حاصل از آزمون تحیل مسیر نشان داد ارزیابی مجدد هیجان در رابطه بین سبک هویت هنجاری و عشق‌پذیری، نقش واسطه‌ای دارد. به باور اریکسون (۱۹۸۲ نقل از دادستان، ۲۰۱۳) لازمه برقراری روابط صمیمانه، دستیابی به هویت منسجم است. بزرگسالان جوانی که بحران هویت را با موفقیت پشت سر گذشته‌اند و به هویتی پایدار دست یافته‌اند می‌توانند خواستار صمیمیت متقابل یا درهم‌آمیزی هویت خویشتن با دیگری در چهارچوب صمیمیتی متقابل باشند. از آنجا که حس هویت فرد بر پایه دلبستگی و چگونگی ارضای نیازهای وی شکل می‌گیرد (بالبی، ۱۹۶۹)، سبک دلبستگی ایمن با تقویت هویت هنجاری از طریق ایجاد حس اعتماد در فرد، امکان اکتشاف و جست‌وجوی جهان پیرامون را فراهم می‌کند و به افزایش استفاده از راهبردهای سازش‌یافته هیجان منجر می‌شود (محمدی و فولادچنگ، ۲۰۱۸). بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد فرد با گذار از مراحل آغازین هویت می‌تواند با ارزیابی مجدد هیجان و غلبه بر ترس از دست دادن من، به برقراری روابط

وجود این، به‌نظر می‌رسد در ایران، هنگام ارزیابی ارتباط با جنس مخالف، به دلیل تضاد موجود بین ارزش‌های مذهبی با ارزش‌های فعلی جامعه و جوامع غربی، قادر نیستند که موقعیت را ارزیابی مجدد کنند. به همین دلیل کمتر از ارزیابی مجدد سود می‌جویند. با توجه به عدم وجود ارتباط مستقیم بین هویت اطلاعاتی با ارزیابی مجدد هیجانی و عشق‌پذیری، نقش واسطه‌ای ارزیابی مجدد هیجانی نیز در رابطه سبک هویت اطلاعاتی با عشق‌پذیری تأیید نشد، زیرا به‌نظر می‌رسد که مسائل فرهنگی و مذهبی مانند تضاد بین اطلاعات موجود در مورد رابطه احساسی بین دو جنس با اعتقادات مذهبی و فرهنگی موجب میشود افراد با هویت اطلاعاتی تمایل به ارزیابی مجدد موقعیت هیجانی را از دست بدهند و ترجیح دهند که هیجان‌های خود را سرکوب کنند و عشق را نادیده بگیرند.

بین سبک هویت هنجاری با عشق‌پذیری با واسطه‌گری سرکوبی هیجانی رابطه‌ای مشاهده نشد. افراد با سبک هویت هنجاری همواره به‌دلیل گرایش مفرط به ایجاد همنوایی با افراد مهم زندگی (امیدیان، ۲۰۰۹) و پایداری شدید به ساختار هویت، در صورتی که ارزش‌ها و اعتقادات با هویت آنان همخوانی نداشته باشد، آن‌ها را نادیده می‌گیرند (اونگن، ۲۰۱۱). این افراد هر چند از مکانیزم‌های دفاعی ناپخته‌ای مانند انکار استفاده میکنند (بوش و دیگران، ۲۰۱۲)، اما از سازش‌یافتگی روان‌شناختی برخوردارند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵) و به‌همین دلیل به‌نظر می‌رسد از راهبردهای سازش‌یافته‌ای مانند سرکوبی استفاده نمی‌کنند. بنابراین با وجود رابطه مثبت بین هویت هنجاری و عشق‌پذیری، به‌دلیل عدم وجود ارتباط معنادار بین هویت هنجاری و سرکوبی، نقش واسطه‌گری سرکوبی هیجانی در رابطه بین هویت هنجاری و عشق‌پذیری تأیید نشد.

به‌طور کلی نتایج گویای اهمیت کاهش به‌کارگیری راهبرد سرکوبی در افراد دارای سبک‌های هویتی اطلاعاتی و اجتنابی- سردرگم، و افزایش

به‌کارگیری ارزیابی مجدد هیجان‌ها در افراد دارای سبک‌های هویت هنجاری به‌منظور افزایش ظرفیت این افراد در پذیرش عشق بود.

با توجه به عدم معناداری مسیر مستقیم از سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری به عشق‌پذیری و مسیر مستقیم سبک هویت اطلاعاتی و اجتنابی به ارزیابی مجدد هیجان‌ها و مسیر سبک هویت هنجاری به سرکوبی هیجان‌ها، مدل مفهومی پژوهش اصلاح شد. بنابراین در تعمیم نتایج، رعایت جوانب احتیاط ضروری است. در پژوهش‌های آتی، به‌منظور افزایش اعتبار یافته‌ها، بررسی سایر جوامع و استفاده از روش نمونه‌برداری تصادفی پیشنهاد می‌شود.

### منابع

- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55(5), 469-480.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4(3), 268-282.
- Berzonsky, M. D. (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality*, 60(4), 771-788.
- Berzonsky, M. D., & Adams, G. R. (1999). Reevaluating the identity status paradigm: Still useful after 35 years. *Developmental Review*, 19(4), 557-590.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39(1), 235-247.
- Berzonsky, M. D., & Papini, D. R. (2022). Cross-lagged associations between cognitive dispositions, identity processing styles, and identity commitments. *Self and Identity*, 21(8), 963-979.
- Bosch, L. A., Segrin, C., & Curran, M. A. (2012). Identity style during the transition to adulthood: The role of family communication patterns, perceived support, and affect. *Identity*, 12(4), 275-295.
- Carnes, A. (2020). *Positive and negative reappraisal as love regulation strategies in college students*. Bachelor thesis. State University, Department of Psychology.
- Côté, J. E. (2009). Identity formation and self-development in adolescence. In R. M. Lerner & L. Steinberg

*The wisdom of feelings: Psychological processes in emotional intelligence* (pp. 297–319). New York: Guilford.

Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(2), 348–362.

Heidari, P., & Nemattavousi, M. (2021). Behavioral inhibition/activation systems and self-esteem with depression: The mediating role of social anxiety. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 39(3), 375–389.

Hejazi, E. (2006). The relationship between identity styles and identity commitment with friendship quality. *Journal of Psychology and Educational*, 32, 167–184. [In Persian].

Johnson, H. D., Kent, A., & Yale, E. (2012). Examination of identity and romantic relationship intimacy associations with well-being in emerging adulthood. *Identity*, 12(4), 296–319.

Johnson, H. D., Loff, K. A., Bell, G., Grogan, E. A., Yale, E., Brady, E., Foley, R. J., & Pilosi, T. A. (2009). Identity exploration and commitment associations with gender differences in emerging adults' romantic relationship intimacy. In E. Cuyler & M. Ackhart (Eds.), *Psychology of relationships* (pp. 131–147). New York: Nova Science Publishers.

Khani, Z., Besharat, M. A., & Farahani, H. (2020). The mediating role of emotion regulation in the relationship between maladaptive schemas and anxiety symptoms. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 17(66), 117–130. [In Persian].

Kira, I. A., Shuwiekh, H., Al Ibraheem, B., & Aljakoub, J. (2019). Appraisals and emotion regulation mediate the effects of identity salience and cumulative stressors and traumas, on PTG and mental health: The case of Syrian's IDPs and refugees. *Self and Identity*, 18(3), 284–305.

Kline, R.B. (2011). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. New York: Guilford Press.

Liu, Y., & Tian, F. (2024). Emotion regulation goals and strategies among individuals with varying levels of sensory processing sensitivity: A latent profile analysis. *Frontiers Psychology*, 15, 1364648.

(Eds.), *Handbook of adolescent psychology: Individual bases of adolescent development* (pp. 266–304). New York, NY: John Wiley & Sons, Inc.

Craig-Bray, L., Adams, G. R., & Dobson, W. R. (1988). Identity formation and social relations during late adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 17(2), 173–187.

Dadsetan, P. (2013). *A selection of the largest systems of developmental psychology*. Tehran: Samt

Dyk, P. A., & Adams, G. R. (1987). The association between identity development and intimacy during adolescence: A theoretical treatise. *Journal of Adolescent Research*, 2(3), 223–235.

Epstein, S. (2003). Cognitive-experiential self-theory of personality. *Comprehensive Handbook of Psychology*, 5, 159–184.

Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis* (No. 7). WW Norton & Company.

Fincham, F. D., & Cui, M. (2011). *Romantic relationships in emerging adulthood*. New York, NY: Cambridge University Press.

García, M. F., Szabó, Á., Kyoung Lee, T., Montero-Zamora, P., Meca, A., Ward, C., Schwartz, S. J. (2024). Daily levels of perceived context of reception and self-esteem among U.S. Latine university students: The moderating role of normative identity styles. *Self and Identity*, 1–19.

Gazanfari, A. (2003). Validation and standardization of Identity Style Questionnaire (ISI- 6G). *Educational and Psychological Studies*, 2, 81–94.

Ghanadzadegan, H. A., Salehi, M., Kochakentazar, R., & Sepahmansor, M. (2018). The modeling of internet addiction based on identity styles: The mediating role of alexithymia. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 15(58), 165–173.

Ghazanfari, A. (2004). Validating and normalizing identity style questionnaire (ISI-6G). *Foundations of Education*, 5(8), 81–96.

Gross, J. J. (2008). Emotion regulation. In M. Lewis, J. M. Haviland-Jones, & L. F. Barrett (Eds.), *Handbook of emotions* (pp. 497–512). New York: Guilford Press.

Gross, J. J., & John, O. P. (2002). Wise emotion regulation. In L. Feldman Barrett & P. Salovey (Eds.),

- Perel, E. (2017). *The state of affairs: Rethinking infidelity, A book for anyone who has ever loved*. Hachette UK.
- Reifman, A. (2011). Romantic relationships in emerging adulthood: Conceptual foundations. In F. D. Fincham & M. Cui (Eds.), *Romantic relationships in emerging adulthood* (pp. 15-26). New York, NY: Cambridge University Press.
- Roberton, T., Daffern, M., & Bucks, R. S. (2014). Maladaptive emotion regulation and aggression in adult offenders. *Psychology, Crime & Law*, 20(10), 933-954.
- Schwartz, S. J., Beyers, W., Luyckx, K., Soenens, B., Zamboanga, B. L., Forthun, L. F., Hardy, S. A., Vazsonyi, A. T., Ham, L. S., Kim, S. Y., Whitbourne, S. K., & Waterman, A. S. (2011). Examining the light and dark sides of emerging adults' identity: A study of identity status differences in positive and negative psychosocial functioning. *Journal of Youth and Adolescence*, 40(7), 839-859.
- Shokrollahzade, M., & Madani, Y. (2016). The role of love and identity styles in the prediction of marital satisfaction. *Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal*, 2(1), 79-89. [In Persian].
- Shtiwi, W. F. (2023). Emotional regulation as a predictor of psychological identity styles among adolescents. *International Journal of Education in Mathematics, Science, and Technology*, 11(6), 1566-1581.
- Soliemanian, A., Reyhani, R., & Naziffee, M. (2016). Predicting marital instability based on emotion regulation skills and identity styles. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 6(1), 60-76. [In Persian].
- Vaziri, S., Kashani, F., Jamshidfar, Z., & Vaziri, Y. (2014). Brief report: The Identity Style Inventory- validation in Iranian college students. *Procardia - Social and Behavioral Sciences*, 128, 316-320. [In Persian].
- Zerwas, E. K., Ebo, R., Allison, G., Karnilowicz, H. R., Carrillo, B., Wilhelm, F. H., Mauss, I. B. (2022). Spontaneous suppression in dating couples: Social and physiological correlates of suppressing negative and positive emotions during negative and positive conversations. *International Journal of Psychophysiology*, 178, 60-70.
- Luginbuehl, T., & Schoebi, D. (2018). Emotional dynamics and emotion regulation in intimate relationships. In P. M. Cole and T. Holenstein (Eds.), *Emotion regulation* (pp. 208-225). London: Routledge.
- Luyckx, K., Soenens, B., Berzonsky, M.D., Smits, I., Goossens, L., & Ansteenkiste, M. (2007). Information-orientated identity processing, identity consolidation and wellbeing: The moderating role of autonomy, self-reflection, and self-rumination. *Personality and Individual Differences*, 43(5), 1099-1111.
- Mashhadi, A., Ghasempour, A., Akbari, E., Ilbaygi, R., & Hassanzadeh, S. (2013). The role of anxiety sensitivity and emotion regulation in prediction of social anxiety disorder in students. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 14(2), 89-99. [In Persian].
- Meier, A., & Allen, G. (2009). Romantic relationships from adolescence to adulthood: Evidence from the national longitudinal study of adolescent health. *Sociological Quarterly*, 50, 308-335.
- Mohammadi, H., & Fouladchang, M. (2018). The mediating role of identity processing styles in the relationship between attachment styles and cognitive emotion regulation. *Journal of Psychology*, 22(3), 308-325. [In Persian].
- Mutlu, T., Balbag, Z., & Cemrek, F. (2010). The role of self-esteem, locus of control, and big five personality traits in predicting hopelessness. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 9, 1788-1792.
- O'Brien, E. J., & Epstein, S. (1988). *The Multidimensional Self-Esteem Inventory: Professional Manual*. California: Psychological Assessment Resources.
- Omidian, M. (2009). *Identity from the point of view of psychology*. Yazd: Yazd University Press. [In Persian].
- Öngen, D. E. (2011). The relationships among perfection, self-criticism, and identity styles in Turkish university students, Akdeniz University's, Antalya, Turkey. *Social and Behavioral Sciences*, 30, 565-572.
- Paul, E. L., & White, K. M. (1990). The development of intimate relationships in late adolescence. *Adolescence*, 25(98), 375-400.